

• درآمد

دکتر سید محمد حسین وزیری (متولد ۱۳۰۵) با دو سال اختلاف نسبت به شهید پاک‌نژاد، دوره‌های مختلف زندگی آن بزرگوار را به خوبی طی کرده و همراه آن شهید بوده است. وی، فرزند مرحوم وزیری بزرگ مؤسس کتابخانه مشهور وزیری در بزد است که با شهید پاک‌نژاد روابط نزدیک و صمیمانه‌ای داشت. خود دکتر وزیری نیز به سبب این انس و الفت، توانست با دکتر پاک‌نژاد رفاقتی عمیق برقرار کند که در این مصاحبه راوی حکایت آن است.



گفت‌و شنود شاهد یاران با دکتر سید محمد حسین وزیری
از هم‌دوره‌های او و دوستان نزدیک شهید

شهادت، یک سر، نعمت و برکت است...

شده بودند، در بزد متمرکز شوند و فعالیت کنند که برای ما جوانان آن زمان موقعیت فکری و ذهنی خاصی می‌ساخت. از سوی دیگر، صاحبان افکاری مانند بهائیت و از این دست هم در این شهر فعالیت می‌کردند. یادمان است، زمانی گروهی از مشهد وارد بزد شدند که به نوعی وارد این گروه‌ها شده آن‌ها را شناسایی می‌کردند و برخوردی صورت می‌گرفت، اما امام (ره) این شیوه را تأیید نکردند و خیلی زود این نوع مبارزه تعطیل شد. کمونیست‌ها هم فعالیت‌های مختلفی داشتند، حتی منافقان هم از این خطه قافل نبودند و حضور می‌یافتند، اما از آن‌جا که با جامعه متدین بزد تحت اندیشه علمی اسلامی بودند، بسیاری از این توطئه‌ها ناموفق می‌ماند.

پس در آن زمان خیلی هوشیارانه باید عمل می‌کردید.

بله، مثلاً منافقان برای زن‌ها مانتویی طراحی کرده بودند که حتی اوایل مورد تأیید خیلی‌ها قرار گرفت، اما هم خیلی زود متوجه شدند که این مانتو نوعی لباس فرم منافقین محسوب می‌شود. خوشبختانه چون جمیع علمای بزد با امام در ارتباط بودند و ایشان نسبت به مسائل کاملاً هوشیار بودند، خیلی زود نیز به این موضوعات واکنش نشان داده می‌شد. خوب، ما جوان‌های آن زمان هم که این اتفاقات را می‌دیدیم، می‌توانستیم به راحتی مسیر را انتخاب کنیم و کمتر در معرض فریب قرار بگیریم. در دوران جوانی شما، گروه‌های مختلفی سعی

را در رشته پزشکی به پایان برساند. شرایط و موقعیت زمان خود و شهید پاک‌نژاد را در دوران جوانی - به لحاظ علمی و مذهبی در یزد- برای ما کمی توضیح دهید تا با نوع فعالیت‌های شما بیشتر آشنا شویم. اگر با هواپیما به یزد سفر کنید، وقتی از بالا به این خطه نگاه کنید، می‌بینید که از هر طرف به کویر

آن زمان تشریح اجساد از نظر علما تأیید نشده بود، شهید پاک‌نژاد نیز پرهیز می‌کردند از ادامه تحصیل در این رشته، تا این‌که آقای بروجردی تحقیق وسیعی در این زمینه کردند و تشریح اجساد را بلا مانع تشخیص دادند، شهید پاک‌نژاد هم به تحصیل خود ادامه داد.

منتهی می‌شود. از یک سو که به خراسان راه دارد کویر است، از سوی دیگر که به اصفهان می‌رسد کویر است و از سوی سوم که منتهی به کرمان است نیز کویر است. بنابراین یزد هم سر در کویر دارد، هم پا در کویر دارد و هم تن در کویر دارد. این موقعیت از شهر یزد منطقه‌ای ویژه می‌سازد و شرایط اجتماعی خاص به آن می‌بخشد. این شرایط باعث شده تا در عین بسته بودن فضا، بسیاری از علمایی که در دیگر نقاط با اتهام و مشکل مواجه

برای ما از شروع و ادامه آشنایی‌تان با دکتر پاک‌نژاد بگویید.

من در خانواده‌ای کاملاً مذهبی به دنیا آمدم. یادمان است که پدرم برای تعمیرات مسجد جامع یزد، هیأت همیاری تشکیل داده بودند که حاج سید ابوالقاسم پاک‌نژاد - پدر شهید پاک‌نژاد- نیز در این فعالیت، شرکت داشتند. بنابراین چون وجه مشترک خانواده‌های ما فعالیت پیرامون مسائل مذهبی بود، از دیرباز با هم آشنایی پیدا کردیم و این آشنایی در مراحل مختلف ادامه یافت. به یاد دارم که دکتر پاک‌نژاد، چون می‌خواستند بر اساس شروع و دین حرکت کنند، زمان زیادی طول کشید تا توانستند تحصیلات خود در زمینه پزشکی را به پایان برسانند.

مگر تناقضی بین طب و دین وجود داشت؟

در آن زمان تشریح اجساد از نظر علما تأیید نشده بود، به همین دلیل شهید پاک‌نژاد که به دور از احکام دینی گام بر نمی‌داشتند، پرهیز می‌کردند از ادامه تحصیل در این رشته، اما پس از این‌که آیت‌الله العظمی بروجردی تحقیق وسیعی در این زمینه انجام دادند و تشریح اجساد را بلا مانع تشخیص دادند، شهید پاک‌نژاد هم به تحصیل خود ادامه داد و حتی تحقیق مفصلی هم در زمینه پزشکی تحت عنوان «اولین دانشگاه، آخرین پیامبر» به چاپ رساند که هنوز هم از کتاب‌های پرطرفدار در زمینه پزشکی معرفی می‌شود. به هر حال این موضوع باعث شد تا شهید پاک‌نژاد، ۷ یا ۸ سال دیرتر، تحصیلات خود



از افراد ثابت در کتابخانهٔ وزیری به شما می‌رفتند. بسیاری از هم‌فکری‌ها و هماهنگی‌ها در کتابخانه وزیری صورت می‌گرفت.

بنابراین بین مرحوم پدر شما و دکتر پاک‌نژاد هم باید نزدیکی و ارتباط خاصی برقرار بوده باشد.

دقیقاً. شهید پاک‌نژاد با دیدهٔ احترام کامل با پدرم برخورد می‌کردند و پدر هم به امانت‌داری، صداقت و تدبیر ایشان با اعتقاد کامل برخورد می‌کردند. هر دو، در خصوص مسائل مختلف صحبت می‌کردند و نتیجه‌گیری‌های منطقی و کاربردی به دست می‌آوردند. همان‌طور که گفتم بخش عمده‌ای از این نزدیکی در کنار روحیات نزدیک به هم حول محور مبارزه علیه کسانی بود که سعی در تخریب اسلام و ترویج بهائیت داشتند.

دورهٔ نمایندگی شهید پاک‌نژاد را در مجلس شورای اسلامی به یاد دارید؟

بله، یکی از کسانی که سعی می‌کرد تا ایشان برای نمایندگی در مجلس کاندیدا شوند، خود من بودم. ایشان با اخلاص و اخلاق و تدبیری که در جامعه به اثبات رسانده بودند، بهترین فرد برای حضور در مجلس محسوب می‌شدند. او فردی بود که اگر تا روزی ۱۰ ساعت در مطب خود می‌نشست، حتی دقیقه‌ای هم به فکر مسائل مادی نبود. ایشان مردی بود از خودگذشته که مسائل دنیوی را از مدت‌ها پیش پشت سر گذاشته بود. بنابراین مردی با این ویژگی‌ها تنها کسی می‌توانست باشد که در مجلس شورای اسلامی، به‌خصوص با توجه به شرایط اولیهٔ انقلاب، مفید محسوب شود و برای کل ایران، افتخاری باشند.

اما باعث تأسف است که این بزرگواران فقط در دورهٔ کوتاهی پس از پیروزی انقلاب، حضور داشتند و شهادت، مجال خدمات بیشتر و ماندگار ایشان را از ما دریغ کرد.

تأسف نخورید. به یاد داشته باشید که خواست و ارادهٔ خداوند همیشه موجب خیر و نعمت شده است. شهید پاک‌نژاد و دیگر بزرگان که اشاره کردید، اگر چه خیلی زود از پیش ما رفتند، اما خون این شهدا مزرعهٔ انقلاب را آبیاری کرد. در حقیقت، با شهادت این بزرگان ما انقلابی که مانند کودکی نوپا بود، آموخت که چگونه روی پای خود بایستد و حتی از زمین خوردن نترسد. زمانی باید تأسف خورد که چیزی بی‌بهره بماند. خون ایشان به هیچ‌وجه پای‌مال نشد و ثمرهٔ انقلاب و بالندگی را دربرداشت. بنابراین هرگز به خواست خدا تأسف نخورید، به‌خصوص در مورد امری مانند شهادت که یک سر، برکت است و موجب سرافرازی، چه برای شهید و چه برای امت شهیدپرور، می‌شود. شهید پاک‌نژاد، از وجوه مختلف یادگارهای بارز و ارزشی برای ما گذاشته است، چه از نظر اخلاقی که هم‌چنان به عنوان بزرگ‌ترین نمونه بین مردم بیان می‌شود، چه به لحاظ مبارزه و تدبیر که باید سرمشق مسؤلان امروزی ما باشد و چه به لحاظ علمی که هنوز کتاب‌های ایشان با استقبال و احترام مطالعه می‌شود. ■



یکی از جاهایی که شهید پاک‌نژاد نیز همواره با آن‌جا در ارتباط بوده، همین کتابخانه به شمار می‌رود. از این کتابخانه، تأثیرات آن و رویکرد شهید پاک‌نژاد به این‌جا برای ما بگویند.

مرحوم پدرم مرد خودساخته‌ای بود. ایشان نه از ارث پدر و مادر بهره‌مند بودند و نه از فامیل، اما با پشتکار تمام موضوع آگاهی‌بخشی به جامعه را پی می‌گرفتند. همان‌طور که در جای‌جای صحبت‌ها اشاره شد، آن زمان نفوذ بهائیت و دیگر موضوعات باعث شده بود تا تمام کسانی که دل‌سوختهٔ شیعه

شهید پاک‌نژاد، از وجوه مختلف یادگارهای بارز و ارزشی برای ما گذاشته است، چه از نظر اخلاقی که هم‌چنان به عنوان بزرگ‌ترین نمونه بین مردم بیان می‌شود، چه به لحاظ مبارزه و تدبیر که باید سرمشق مسؤلان امروزی ما باشد.

و اسلام بودند، در مقابل این نفوذ بی‌امان، قد راست کنند. همان‌طور که گفتم، پدرم اعتقاد راسخ به ایجاد آگاهی و دانش دینی داشتند، آن‌قدر که حتی به روستاها می‌رفتند و تا جایی که ممکن بود موضوع تحصیل بچه‌ها را پی می‌گرفتند. کتابخانه وزیری هم از مکان‌هایی بود که با این منظور فعالیت می‌کرد. بنابراین همان‌طور که گفتم شرایط و نوع اقدامات موجب شد تا این کتابخانه بسیار فراتر از یک کتابخانهٔ معمولی به نشر دانش و آگاهی بپردازد. قاعدتاً کسانی مانند دکتر پاک‌نژاد هم که همیشه در راه دین و مسائل دینی پیش قدم بودند،

در شکار افکار جوان داشتند. امثال شما و دکتر پاک‌نژاد با این گروه‌ها و البته جذابیت‌هایی که خلق می‌کردند چگونه روبرو می‌شدند و چه شد که فریب این افکار به‌خصوص، توده‌ای‌ها را که از دیرباز در ایران فعالیت می‌کردند نخورید؟

من، تک‌فرزند خانواده بودم و اصولاً به درس و تحصیل می‌پرداختم. البته این افکار و گروه‌ها بین دانشجویان هم رخنه می‌کردند، اما تمرکز من بر تحصیل بود و کمترین زمانی به چنین نگرش‌هایی اختصاص نمی‌دادم. اگر چه تأثیرات آن‌ها، شرایط تحصیلی و کاری سختی ایجاد می‌کرد. اما کسی مثل دکتر پاک‌نژاد به واسطهٔ نگاه مذهبی و عشقی که به اسلام داشتند، همیشه و با هر اقدام خود در حال مبارزه با این گروه‌ها بودند. ایشان که نزدیکی خاصی هم به آیت‌الله صدوقی داشتند، به واسطهٔ جلسات، کلاس‌ها و هر گونه اقدام دیگری سعی داشتند بین جوانان و جامعه روشنی به وجود بیاورند تا آن‌ها حقیقت اسلام را بشناسند و با علم و آگاهی از انحراف مصون بمانند.

آقای دکتر وزیری، شما هم به لحاظ دوره هم به لحاظ اعتقادات مذهبی و هم به لحاظ نگرش‌های علمی با دکتر پاک‌نژاد نزدیکی داشته‌اید. با توجه به این سه محور، می‌توان گفت شما جامع‌ترین تعریف را می‌توانید از شخصیت شهید پاک‌نژاد ارائه دهید.

دکتر پاک‌نژاد شخصیتی بود که باورش بر درستی، ایمان و خلوص بنا نهاده شده بود. تفسیر کردن قرآن از دل‌مشغولی‌های ایشان بود که در دوره‌های مختلف نیز به آن می‌پرداخت. جالب این‌که جلسات دکتر همیشه با استقبال بسیار چشم‌گیری مواجه می‌شد. وجه علمی ایشان نیز کاملاً با اخلاص و اعتقادات دینی‌شان هم‌سو بود. یک طبیب، شاید حداکثر به طب و طبابت بپردازد، اما ایشان با نگرشی دینی و اجتماعی به طبابت می‌پرداخت، به‌طوری‌که اگر بیماری به ایشان مراجعه می‌کرد که فردی تنها و بی‌کس بود، از تشخیص بیماری تا مداوا و تهیهٔ دارو، آن بیمار را تنها نمی‌گذاشت. این وجه دکتر پاک‌نژاد، در کنار حضور و مبارزاتی که برای حفظ اعتقادات و دین در جامعه انجام می‌دادند، شرایطی را پیش آورد که امروزه شاهد آن هستیم. شرایطی که باعث شد شخصیت این انسان والا مقام هرگز فراموش نشود و در کنار وجه علمی و جهت‌انسانی و متدین‌شان در ذهن و یاد مردم باقی بماند. فراموش نکنید که گفتن این حرف‌ها بسیار ساده است، اما به‌عمل درآوردن آن به مفهوم رودررویی با مشکلات بسیاری است که گاه توان انسان را به صفر می‌رساند. اما ایشان تا پایان، هم‌چنان خلوص و انسانیت و تدبیر را شیوهٔ راه خود قرار دادند و هرگز در این مسیر قدمی به عقب برنداشتند.

یکی از تأثیرگذارترین مراکزی که در یزد می‌شود سراغ گرفت، از دیرباز تاکنون کتابخانهٔ وزیری بوده و هست؛ به‌طوری‌که نمی‌توان صرفاً به عنوان یک کتابخانه از آن یاد کرد. از قرار،